

بررسی فقهی و اقتصادی نظریه پولی فریدمن و ربا

*تقی ابراهیمی سالاری

**مرتضی بستام، جلال ندیمی، مهسا شهابی کاسب

چکیده

با گسترش روزافزون نقش پول به خصوص بعد از انقلاب صنعتی و تغییر ماهیت آن از یک وسیله مبادله صرف و هم چنین مواجه شدن اقتصاد با شرایط تورمی، بررسی مجدد مسئله ربا از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله که به روش تحلیلی-توصیفی است، سعی گشته از منظر نظریات پولی فریدمن که به پول نقشی فراتر از ابزار مبادله می‌دهد و برای آن جایگاهی در تابع مطلوبیت مصرف‌کننده و تولیدکننده در نظر می‌گیرد، به بیان مسئله ربا متناسب با شرایط اقتصادی-اجتماعی، از دیدگاه اسلام و قرآن پرداخته شود. نتایج گویای این مطلب است که جبران کاهش قدرت خرید مردم شرعاً قابل توجیه است و در جهانی که تورم در آن فراگیر است، حذف بهره حداقل تا سطح جبران تورم مصداق کامل ظلم به قرض دهنده می‌باشد و هم چنین پول یک عامل تولید است که بر حسب زمان بازدهی مداوم دارد مانند سایر کالاهای سرمایه‌ای و می‌توان آن را به‌عنوان یک ابزار تولید در GDP قلمداد کرد.

کلمات کلیدی: ربا، کاهش ارزش پول، تقاضای پولی فریدمن، تولید ناخالص داخلی.

طبقه‌بندی JEL: E13، E41

*استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد. ebrahimi_t@yahoo.com

**دانشجویان کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

morteza_bastam@yahoo.com

j.nadimi@yahoo.com

mshahabi_1368@yahoo.com

۱- مقدمه

حرمت ربا، مسلم و مورد پذیرش تمام فرق اسلامی است و آیات و روایات متعددی بر آن دلالت دارد، تا آنجا که بسیاری از فقها حرمت ربا را از ضروریات دین و انکار آن را به منزله کفر شمرده‌اند. اما در خصوص مصداق و گستره ربای حرام، دیدگاه‌های فقها و صاحب‌نظران مسلمان تفاوت‌های اساسی دارد. مشکلی که در اکثر بحث‌های فقهی در این مورد رخ می‌نماید، ضعف و کمبود بررسی‌های اقتصادی است؛ به طوری که در توجیه حرمت ربا و علت‌یابی آن، به آن دسته از عوامل اقتصادی اشاره می‌شود که با اصول پذیرفته شده علم اقتصاد کاملاً در تضاد است و با پژوهش‌های نظریه‌پردازان اقتصادی هم‌خوانی و سازگاری ندارد (نوری کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۵). به عنوان مثال تغییر ماهیت پول در عصر حاضر باعث شده است که در رابطه با پول جدید و حل مسأله ربا، مسائل و مشکلاتی بوجود آید. یکی از مشکلات این است که اگر بخواهیم تعریف سنتی ربا را بپذیریم، جبران کاهش ارزش پول در طول زمان در معاملات مدت‌دار و خصوصاً در قرض، ربا تلقی می‌شود، در حالی که می‌بینیم بر اساس ملاک حرمت ربا، عدم جبران کاهش ارزش پول در معاملات مدت‌دار ظلمی است آشکار به وام‌دهنده و این مسأله درباره کلیه سپرده‌های نقدی افراد نزد بانک‌های دولتی و غیر دولتی، نیز صادق است. عمده‌ترین دلیل آن نیز تورم ناشی از خلق پول می‌باشد که در نظام‌های جدید پولی به راحتی صورت می‌گیرد. همین‌طور ارزش تعریف نشده اسکناس اعتباری و نیز نداشتن پشتوانه مشخص و تعریف شده باعث شده که اکثر معاملات مدت‌دار غرری و جزافی باشند. البته حرمت اینگونه معاملات در فقه مسلم و بدیهی است (موسایی، ۱۳۸۹: ۲۰۷).

از سوی دیگر با توجه به نظریات پولی کلاسیک‌های جدید از جمله فریدمن، پول نقشی فراتر از ابزار مبادله دارد و دارای جایگاهی در تابع مطلوبیت مصرف‌کننده و تولیدکننده می‌باشد، لذا با گسترش روزافزون نقش پول به‌خصوص بعد از انقلاب صنعتی در میزان مبادلات و تولید جوامع مختلف، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان با توجه به در نظر گرفتن ماهیت جدید پول و تقاضای پول فریدمن دیدگاهی جدید و البته متناسب فرامین اسلامی نسبت به مسئله ربا داشت؟ بنابراین شناخت مسئله ربا و ماهیت آن می‌تواند به درک موضوع کمک نماید.

۲- ربا

واژه ربا (Usury) یا اسم مصدر به معنای زیادی یا مصدر به معنای زیاد شدن است و ریشه اصلی آن «ربو» است که در زبان عرب گفته می‌شود.

«ربا الشی یروا ربواً: زاد و نما» (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۵، ۱۲۶ و خوری، ۱۴۰۳: ۱، ۳۸۶). در قرآن کلمه ربا و مشتقات آن گاهی به معنای مطلق رشد و زیاد شدن و گاهی به معنای معامله خاص یا زیاد در معامله خاص به کار می‌رود، مانند:

«فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت و ربّت» (حج، ۲۲، ۵).

و چون آب را فرو فرستادیم، زمین جنبید و بالا آمد.

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ» (همان: ۲۷۶).

خداوند ربا را از بین می‌برد و صدقات را می‌افزاید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (همان: ۲۷۶).

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و اگر ایمان دارید هرچه از ربا مانده رها کنید.

که در اصطلاح فقه نیز گاهی به معنای «زیادی خاص» و گاهی به معنای «معامله خاص» به کار می‌رود، فقیهان شیعه ربا را به دو نوع تقسیم می‌کنند:

۱. **ربای قرضی**؛ که عبارت است از: «اشرط هر نوع زیاده در قرارداد قرض».

۲. **ربای معاملی**؛ که عبارتست از: «معامله دو شی هم‌جنس از اشیای مکمل و موزون همراه با زیاده» (موسویان، ۱۳۸۶: ۷۰).

فقیهان اهل سنت در تقسیم ربا به دو گونه عمل می‌کنند، برخی ربا را به ربا القروض و ربا البیوع تقسیم کرده سپس ربا البیوع را به دو قسم ربای نسیه و ربای فضل تقسیم می‌کنند. برخی دیگر ربا را به دو قسم ربای نسیه و فضل تقسیم می‌کنند و ربای قرضی را از مصداق‌های ربای نسیه می‌دانند. به هر صورت مقصود فقیهان اهل سنت از ربا القروض همان ربای قرضی است و مقصود از ربای نسیه خرید و فروش اجناس ربوی همراه با زیاده به صورت نسیه است و مقصود از ربای فضل خرید و فروش آنها همراه با زیادی به صورت نقد است (مصری، ۱۴۱۲: ۹؛ توفیق رضا، بی تا: ۷۱-۷۴).

اغلب فقهای شیعه در تعریف ربا گفته‌اند:

ربا عبارت است از دریافت زیادی در مبادلات دو کالای هم‌جنس که موزون یا مکمل باشند و یا دریافت در قرض با شرط قبلی (موسایی، ۱۳۸۹: ۴۹).

از آنجایی که مجموعه احکام بر این اصل استوار است که در مبادلات حقوق افراد رعایت شود و به کسی ظلم نشود لذا می‌توان با کمی تأمل و تعمق ربا را این‌گونه بیان نمود:

«دریافت و یا پرداخت هرگونه زیادی ناحق و ظالمانه در مبادلات براساس ارزش آن‌ها».

از این تعریف چند نکته بدست می‌آید: اولاً ربا در همه مبادلات جاری است چه بیع باشد و چه قرض باشد و چه صلح و... ثانیاً ربا محدود به کالاهای مکمل و موزون نیست. ثالثاً این تعریف شامل ربای معاملی و نسیه‌ای هر دو می‌باشد، چون مطلق است. رابعاً

این تعریف با ملاک و مناط حکم سازگار است و قید «تأحق و ظالمانه» دال بر همین معناست. بنابراین، دریافت سود اجحاف آمیز از دیدگاه این تعریف رباست، دریافت سود اجحاف آمیز داخل در موضوع نمی باشد (موسایی، ۱۳۸۹: ۷۳).

۲-۱- پیشینه تاریخی بحث

مسأله حرمت ربا به دین اسلام اختصاص ندارد، در آیاتی از تورات (عهد قدیم، سفر تثبیه، باب ۲۴، آیه‌های ۱۰-۱۴) و انجیل (انجیل متی، فصل ۵، آیه‌های ۱۷-۱۹؛ انجیل لوقا، فصل ۶، آیه‌های ۳۴ و ۳۵) نیز ربا برای یهودیان، مسیحیان و تمام ادیان الهی تحریم شده است. امام رضا (ع) در روایتی می‌فرماید:

اعلم یرحمک الله ان الربا حرام سحت من الکبائر و ممّا قد وعدالله علیه النار فنعوذ بالله منها و هو محرّم علی لسان کلّ نبی و فی کل کتاب (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۳، ص ۱۲۱، ح ۳۳).

بدان خداوند تو را رحمت کند به درستی که ربا حرام، باطل و از گناهان کبیره است و از جمله جرایمی است که خداوند بر آن وعده عذاب داده است؛ پس، از آن به خدا پناه می‌بریم. ربا در کلام همه پیامبران و در همه کتاب‌های آسمانی حرام شده است.

بنابراین، ممنوعیت ربا نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای یهودیان و مسیحیان و پیروان سایر ادیان آسمانی نیز حرام بود. کنار این تحریم عمومی، تلاش برای تجویزهای برخی معاملات نیز از طرف پیروان ادیان گوناگون مشاهده می‌شود و به همین سبب، مشابهت‌های بسیاری بین نظریه پردازان یهودی، مسیحی و مسلمان وجود دارد.

نظریه تفکیک بین قرض‌های مصرفی و تولیدی و تجاری نیز از این قبیل است. قبل از مسلمانان، برخی عالمان مسیحی این دیدگاه را داشتند.

از قرن سیزدهم میلادی، اقتصاد اروپا تحول اساسی یافت. تجارت که تا آن زمان شغل پستی به‌شمار می‌آمد، ارزش یافته بود. فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی رو به توسعه بود و همه این فعالیت‌ها به سرمایه نقدی نیاز داشت و ثروتمندان به اعطای قرض بدون بهره حاضر نبودند. این عوامل عالمان کلیسا را تحت فشار قرار داده بود که در مسأله ربا تجدیدنظر کرده یا تخفیف دهند. در این ایام، سن توماس اکوینی نظریه‌ای داد که منشأ تحولاتی شد. وی گفت:

کسی که دارایی خود را به تاجر یا صنعتگر می‌سپارد تا با او شریک شود، به‌طور قطع، مالش را به‌طور کامل در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد که هرگونه خواستند تصرف کنند؛ بلکه این حق را برای خود حفظ می‌کند که تاجر و صنعتگر با مسؤولیت او تجارت و صنعتگری کند؛ بنابراین، مالک مال می‌تواند قسمتی از سود را مطالبه کند (رفیق‌المصری، ۱۴۰۷ق: ص ۱۱۱).

کالوین (۱۵۰۹ - ۱۵۶۴م) نخستین عالم مسیحی است که به صورت رسمی نظریه عقیم بودن پول ارسطو و دلیل ظالمانه بودن ربا را مورد سؤال قرار داد و با تشبیه بهره قرض به اجاره زمین و مغازه، از وجود بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری دفاع کرد. وی می‌گفت:

درست است که پول نقد عقیم و نازا است؛ ولی این وقتی است که آن را به کار نگیریم؛ اما اگر قرض گیرنده آن را معطل نگذارد و به سرمایه‌گذاری اقدام کند، این پول همانند زمین و ساختمان سودآوری خواهد داشت و اگر مقداری از سود را به صاحب پول دهد، ظلمی اتفاق نمی‌افتد (همان: ص ۱۱۷).

بعد از کالوین، برخی عالمان مسیحی، حقوقدانان، اقتصاددانان و تاجران که به تجویز ربا علاقه‌مند بودند، تلاش‌های گسترده‌ای انجام دادند تا این که از قرن هفدهم به بعد، گرفتن قرض با بهره در کشورهای اروپایی تجویز و قانونی شد (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ص ۶۲ - ۷۰).

۲-۲- وضعیت اقتصادی جزیره العرب در عصر نزول قرآن

در آن زمان مردم مکه به صورت کاروانی تجارت می‌کردند، و بیشتر مردم هرچند با گرفتن قرض، سرمایه‌ای تهیه کرده در کاروان سهیم می‌شدند. برای مثال، در کاروانی که به سرپرستی ابوسفیان به شام رفته و در جنگ بدر نزدیک بود مورد حمله مسلمانان واقع شود، هر یک از زنان و مردان قریش، دست کم با یک مثقال طلا در مال‌التجاره کاروان شریک شده بودند و سرمایه کاروان به پنجاه هزار دینار می‌رسید (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱: ۷۵).

ثروتمندان مکه گذشته از بازرگانی به صورت مستقیم، از راه‌های دیگری چون مضاربه، معامله‌های نسبه، سلف و ربا، بهره می‌جستند و رباخواری در میان آنها شایع بود، ثروتمندان عرب افزون بر نیازمندان که جهت تأمین مایحتاج زندگی وام می‌گرفتند به بازرگانانی هم که سرمایه کافی در اختیار نداشتند قرض با بهره می‌دادند (همان: ۷۸).

کسب ربا از راه ربا چنان بین اعراب رواج یافته بود که وقتی اسلام ربا را تحریم کرد، آنها شگفت‌زده می‌گفتند:

«إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» (بقره (۲)، ۲۷۵).

«خرید و فروش و ربا مانند هم هستند!»

آنان بر این باور بودند که نمی‌توان ربا را از دایره فعالیت‌های اقتصادی کنار گذاشت چون ربا اجرت سرمایه‌ای است که در اختیار تاجر گذاشته می‌شود و باید به صاحب سرمایه پرداخت شود (موسویان، ۱۳۸۶: ۷۲).

۲-۳- دیدگاه مخالفین ربا

۲-۳-۱- دیدگاه شهید مطهری

آن شهید بزرگوار شش عنوان برای علت حرمت ربا آورده اند :

الف) «ربا مانع احسان و استفاده محتاجان از دیگران است» .

به این نکته در روایت اشاره شده بود که امام رضا (ع) فرموده بودند: «وَتَرْكُهُمُ الْقَرْضُ... وَالْقَرْضُ اصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ»

ب) «قطع رابطه ثروت و کار ، کسی که منافع از پول می گیرد ، ثروتی در اختیار می گیرد که کار نکرده است». در روایت اشاره شده است که: «لِفْسَادِ الْأَمْوَالِ» ، ربا موجب فساد در مال است.

ج) «ربا سبب می شود که صاحب پول کار نکند و قوای انسانی او معطل بماند و از این نظر رکود اقتصادی پیدا شود». این موضوع هم در روایت آمده بود که همان ترک تجارت و فعالیت اقتصادی بود.

د) «ربا سبب می شود که طبقه مولد از بین برود ، چون ربا اجتماع را به دو طبقه مولد و غیر مولد تقسیم می کند» ؛ یعنی ، یک طبقه ، آنچه تولید می کند باید به ربا خوار بدهد که طبقه غیر مولد است و در نتیجه همیشه یک طبقه ضعیف و یکی قوی است.

ه) «ربا یکی از شوون سرمایه داری است... چون یکی خودش کار می کند و یکی هم خودش و هم سرمایه اش، تدریجاً تعادل اجتماعی به کلی بهم می خورد» . این مطلب از این بابت درست است که اگر قائل باشیم در جامعه باید تعادل و توازن باشد ، در نتیجه باید برای آن برنامه داشته باشیم که یکی از آن برنامه های جلوگیری از ربا و قانون آن است و اگر جامعه سرمایه داری را بپذیریم این عدم تعادل ، خودش یک حُسن است .

و) «این است که ربا عملاً و واقعاً دزدی است پول نمی تواند پول بزیاید...».

مرحوم استاد شهید مطهری این شش مورد را برشمرد و خود او نیز آن ها را خصوصاً مورد ششم را مورد نقد قرار داده است (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۱۶۰).

۲-۳-۲- دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) درباره ی فلسفه ی تحریم ربا، بیانات گوناگونی دارند من جمله:

«ربا موجب بیکاری عده ای رباخوار از صنعت و کار می شود»^۳.

«ربا موجب ظلم و بیکاری است»^۴.

«اصلاً بهره از پول یک امری است بسیار خلاف انصاف و خلاف انسانیت، یک پولی آنجا گذاشته اند، بعد از این پول نه کاری، نه چیزی درآورده اند و بدترین انواع استثمار همین رباست که در مقابل هیچ، خود پول که هست و در مقابل هیچ این بزاید بهره بردارد در اسلام، البته به هر صورتش حرام است حتی این فرارهایی که بعضی جائز می دانند، این فرارها هم صحیح نیست»^۴.

«در کمتر جایی است که به اندازه ی ربا در قرآن و سنت به او اهمیت داده شده باشد و او را مطرود کرده باشد و نکته اش هم این است که اگر ربا رواج بگیرد فعالیت کم می شود... از یک طرف ظلم است و از یک طرف بیکاری»^۵.

۲-۳-۳- علت حرمت ربا از دیدگاه فخر رازی

در تفسیر کبیر امام فخر رازی پنج دلیل برای تحریم ربا ذکر شده است:

۱. ربا مستلزم گرفتن مال بدون عوض است و گرفتن مال بدون عوض حرام است.

۲. ربا باعث تعطیلی تجارت و حرف می شود.

۳. ربا باعث انقطاع معروف و جلوگیری از قرض است.

۴. معمولاً رباخوار ثروتمند و غنی و قرض گیرنده فقیر و بی چیز است. تجویز ربا، باعث می شود که شخص ثروتمند مال اضافی اخذ و جمع آوری کند و این با رحمانیت و بخشندگی خدا ناسازگار است.

۲ - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۸۱

۳ - همان، ج ۱۲، ص ۱۷۳

۴ - همان، ج ۶، ص ۲۲۲

۵ - همان، ج ۶، ص ۲۲۲

۵. به دلیل نص (قرآن و سنت)، حرمت ربا ثابت است و ممکن نیست فلسفه و علت حرمت آن برای همه روشن شود (موسایی، ۱۳۸۹: ۳۷).

از سوی دیگر آشنایی با سیر تکامل و تطور پول به این تحقیق کمک زیادی خواهد کرد تا با شناخت ماهیت پول و تفاوت‌های موجود میان پول‌های جدید و قدیم بتوان درک صحیحی از احکام ربا داشت و اینکه آیا این تفاوت‌ها می‌تواند منجر به تغییر و تصحیح این احکام گردد؟

۳- پول و ماهیت آن

پول متغیری است که اندکی تغییر در آن، اقتصاد یک جامعه را دچار دگرگونی و گاهی اوقات بحران، هرج و مرج و واژگونی می‌نماید؛ همچنین پیدایش گونه‌های متعدد پول به ویژه پول‌های کاغذی و الکترونیکی در اقتصاد نوین و افزایش اثرگذاری آن بر متغیرهای حقیقی و اسمی اقتصاد، ضرورت درک مفهوم و کارکرد آن برای متخصصین و سیاست‌گذاران اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

در یک نظام اقتصادی اسلامی این موضوع از اهمیت دوچندانی برخوردار خواهد بود. در این نظام به‌کارگیری ابزارهای پولی، اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های پولی در راستای اهداف کلان اقتصادی می‌بایست منطبق با احکام فقهی و مبانی شریعت باشد. بنابراین اگر تعریف و شناخت مناسب و صحیحی از ماهیت پولارائه نگردد، ممکن است احکام فقهی و شرعی استوار بر دامنه عملکرد و وظایف آنها در اقتصاد به دقت تعیین نگردد. عدم تحقق چنین امری، ناکارآمدی سیاست‌های پولی و اعتباری و مالی را به همراه خواهد داشت.

۳-۱- تعریف پول

پول از واژه لاتینی پکوس (pecus) گرفته شده که به معنای گله است و در زبان رومی از واژه دام مشتق شده و واژه هندی روپیه هم از "روپا" گرفته شده که معنای گله می‌دهد (قبادی، ۱۳۶۸: ۴۲).

واژه عربی فلوس شاید از پول گرفته شده باشد که در ابتدا فول بوده به مرور زمان تبدیل به فلوس شده است. هم چنین پول ایرانی ریشه یونانی دارد. از واژه "پکوس" گرفته شده است.

(بیش از دو هزار سال قبل ارسطو پول را "وثیقه‌ای" به شمار آورده بود که نگه می‌داریم تا چیزی را اکنون نمی‌خواهیم وقتی خواستیم به وسیله آن به دست آوریم) (قبادی، ۱۳۶۸: ۱۵۹).

از نظر ایروینگ فیشر اقتصاددان امریکایی: پول حق مالکیتی است که مورد قبول همگان است. به عبارت دیگر هر نوع دارایی است که به وسیله آن بتوان پرداخت های لازم برای خرید کالاها و خدمات را به آسانی و در کوتاهترین مدت و با کمترین هزینه انجام داد (توتونچیان، ۹:۱۷).

بالاخره پول "دارایی نقدی" است و نقدینگی آن باعث شده است که بدون هزینه بتوان به کالا و خدمات تبدیل کرد: یعنی پول دارایی است که هم به عنوان وسیله مبادله از آن می شود استفاده کرد و هم به عنوان وسیله ذخیره ثروت (ایمانی راد، ۱۳۷۱:۶۸).

قابلیت تبدیل به کالا و خدمات وجه اشتراک همه تعاریف یاد شده است. بنابراین پول مفهومی وسیع تر از اسکناس و مسکوک دارد و سپرده های دیداری را نیز شامل می شود ولی سپرده های مدت دار و پس انداز به دلیل نقدینگی پایین تر "شبه پول" محسوب می شود (طیبیان، ۱۳۶۸:۲۳۱).

۳-۲- وظایف پول

ارسطو وظایف پول را: ۱. واسطه مبادلات ۲. وسیله مقایسه ارزش ها ۳. وسیله ذخیره ارزش ها می داند. در تعاریف جدید وظایف پول با آنچه ارسطو گفته چندان تفاوت نکرده است. تنها یک وظیفه دیگر بر آن افزوده شده است: (وسيله پرداخت بدهی های معوق).

۳-۳- تفاوتها و شباهتهای پول قدیم و جدید

تفاوتهای عمده بین پول قدیم و جدید عبارتند از:

۱. درهم و دینار که در آن زمان ضرب می شده است در تمام کشورها قابل مصرف بوده است چه کشور ضرب کننده و آن چه کشورهای دیگر. اما امروزه پولهای موجود کشورهایی که خصوصاً از نظر سیاسی و اقتصادی ضعیف هستند این قابلیت را ندارند.

۲. درهم و دینار قابلیت ذوب و تبدیل به اشکال دیگر را دارد بوده اند ولی پول کاغذی این ویژگی را ندارد.

۳. درهم و دینار قابل پس انداز برای مدت طولانی است. چون از بین نمی رود و در صورت تغییر حکومت باز هم می تواند ارزش خویش را با ذوب شدن و تغییر شکل حفظ نماید. اما پول کاغذی این گونه نیست و اگر حکومت جدید اعتبار آن را لغو کند بی ارزش می گردد و اگر حکومت جدید اعتبار آن را لغو نکند در پس انداز های طولانی ارزش آن به سمت صفر میل پیدا می کند. لذا وظیفه ذخیره ارزش را در بلند مدت نمی تواند ایفا کند.

۴. ضرب درهم و دینار منوط به اذن و فرمان حاکم نبوده و هر ضرابخانه ای خودش به تولید و توزیع پول می پرداخته اما پولهای موجود انتشارشان منوط به فرمان دولت مربوط است.

۵. در تعیین ارزش نقدین به غیر از اعتبار آن دو چیز موثر است: ۱- وزن ۲- عیار.

اما ارزش اسکناسها و پولهای کاغذی امروزی منوط به وزن و عیارشان نیست بلکه فقط اعتبار است که ارزش آنها حفظ می کند. لذا برخلاف پول قدیم که به صورت مکانیسم خودکار ارزشش حفظ می شود پول جدید به صورت مکانیسم خودکار در طول زمان ارزشش را از دست می دهد.

۶. پشتوانه درهم و دینار در خودشان نهفته است ولی اسکناس پشتوانه مشخص ندارد و پشتوانه آن قدرت حکومتهاست که جدای از آن است (موسایی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

۷. پول قدیم (مسکوک طلا و نقره) به لحاظ ماهیتی دارای دو ارزش بود: ۱- ارزش ذاتی ۲- ارزش اعتباری.

پول جدید (اسکناس یا همان پول کاغذی) دارای ارزش اعتباری است.

نوسان ارزش پول قدیم یک دامنه اش ارزش طلا و نقره نهفته در آن منهای هزینه ذوب و زکات آن بوده است (حد پایین) و دامنه دیگر آن ارزش ذاتی به علاوه ارزش اعتباری بوده است (حد بالا) یعنی می توانسته به مقادیر مختلف ارزش مسکوک طلا و نقره از ارزش خود طلا و نقره نهفته در آن فاصله بگردد که البته این فاصله نمی توانسته خیلی زیاد باشد. اما اسکناس و پول کاغذی که همان پول جدید هستند دارای دامنه نوسان ارزش نامحدود بوده و حد پایین آن صفر است یعنی ارزش اسکناس می تواند به حدی نزول پیدا کند که برای دارنده آن به کاغذ پاره ای تبدیل گردد و همچنین بسته به اقتدار اقتصادی حکومت می تواند ارزش اسکناس بالا برود و قدرت خرید آن زیادتر گردد حال اگر وضعیت اقتصادی جامعه رو به وخامت باشد مردم می خواهند برای حفظ ارزش ثروت خویش پول هایشان را به کالا تبدیل نمایند و ارزش پول مرتباً کاهش می یابد و اصطلاحاً به "پول داغ" تبدیل می شود و نهایتاً ممکن است ارزش اسکناس آنقدر کم شود که دیگر بتوان ارزش تقریباً صفر را به آن اطلاق کرد (موسایی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

۳-۴- پول به مثابه قیمی و مثلی

در فقه و حقوق اسلامی کلیه اموال و دارایی ها در قالب دو مقوله قیمی و مثلی طبقه بندی می گردند که هر کدام از این مفاهیم احکام و شرایط خاص خود را ایجاب می نمایند.

لذا تعریف پول به عنوان دارایی (مال) در چهارچوب هر کدام از این دو گروه تعریف شده، می تواند سبب ترتب احکام متفاوت و برداشت های متفاوت از آن و در نهایت کارکردهای متفاوت آن شود (حسن زاده و مجتهد، ۱۳۸۹: ۶۴).

تعاریف و مثال های متعددی در این باب وجود دارد که به یکی از این تعاریف اشاره خواهیم کرد.

ملک از لحاظ مال مملوک بر دو قسم است: مثلی و قیمی.

۱- مثلی به مالی گویند که از لحاظ خصوصیات جنسی، نوعی و صفتی برابرند؛ چنین مالی چنانچه تحت ید مضمونه قرار گیرد، ضامن در صورت بقاء عین، مکلف است خود عین را به مالک مسترد دارد و در صورت تلف، ضامن است مثل آن را به مالک برگرداند؛ مانند کتاب چاپی.

۲- قیمی، مالی است که دارای خصوصیات مثلی نیست؛ چنین مالی را پس از تلف؛ ضامن باید قیمت آن را پرداخت کند؛ مثل نسخه های خطی کتب (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

شاید نگاه عرف در زمان ها و مکان های مختلف، در مورد مثلی بودن یا قیمی بودن اشیا تغییر کند.

علی رغم وجود مشخصه های لازم برای تعریف پول به عنوان یک دارایی (مال) از دیدگاه محققان و صاحب نظران در اسلام، در زمینه تعریف آن به عنوان یک مال مثلی و یا قیمی تعدد نظر وجود دارد.

بر اساس قول مشهور فقهای امامیه، پولهایی مانند طلا و نقره که ارزش و توان خرید آنها نزد عرف و در طول زمان ثابت باشد، به-عنوان مال مثلی تعریف می گردند. شهید صدر در کتاب "فقه اهل بیت" اشاره می نماید که پول های کاغذی اگر چه مال مثلی می باشند ولی مثل آن صرفاً همان شکل ظاهری آن نمی باشد، بلکه هر چیزی که قیمت واقعی آن را مجسم نماید، مثل پول محسوب می شود (حسن زاده و مجتهد، ۱۳۸۹: ۶۴).

درمقابل این دیدگاه گروه دیگری از فقها پول را در مقوله اموال قیمی تعریف می نمایند. آیت الله معرفت اشاره می کند که اساساً پول، قیمی است نه مثلی؛ زیرا آنچه در پول معتبر است، ارزش کاربردی و قدرت خرید آن است (همان: ص ۶۵).

در هر صورت چون برای میزان قیمی و مثلی، جز ادله باب ضمانات با محول نمودن موضوع به عرف، نص خاصی وارد نشده که معیار آن را مشخص کند باید در باب قرض، قیمت را که معیار ارزشمندی است در نظر بگیریم تا موجب نزاع و اختلاف نگردد. امروز دیگر کمتر کالا یا قیمیات را قرض می دهند بلکه قرض همه، پول و اعتبار است که بر اثر تورم و پایین آمدن قدرت خرید، مقدار پول یوم القرض با مقدار پول یوم المطالبه فرق دارد؛ (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۲۰۲) که در صورت پرداخت قیمت یا ارزشمندی باید این کاهش قدرت خرید به میزان تورم جبران گردد.

۳-۵- اثبات لزوم جبران کاهش ارزش پول

چهار دلیل برای ربا نبودن جبران کاهش ارزش پول می توان ارائه کرد:

دلیل اول اینکه، جبران کاهش ارزش پول در معاملات مدت‌دار، داخل در تعریف حقیقی ربا نمی‌باشد. زیرا جبران کاهش ارزش پول در معاملات مدت‌دار و خصوصاً قرض نه فقط مصداق ظلم و انظلام نمی‌باشد، بلکه تنها راه اجرای عدالت و قسط و میزان، جبران آن می‌باشد. همانطور که در سخن امام صادق (ع) این موضوع به وضوح هویدا می‌باشد

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الرَّبَا رِبَاءَانِ رَبًّا يُؤْكَلُ وَرَبًّا لَا يُؤْكَلُ فَأَمَّا الَّذِي يُؤْكَلُ فَهَدَيْتَكَ إِلَى الرَّجْلِ تَطْلُبُ مِنْهُ الثَّوَابَ أَفْضَلَ مِنْهَا فَذَلِكَ الرَّبَا الَّذِي يُؤْكَلُ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُؤُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ وَآمَّا الَّذِي لَا يُؤْكَلُ فَهُوَ الرَّبَا الَّذِي نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ وَأَوْعَدَ عَلَيْهِ النَّارَ»

امام صادق علیه السلام: ربا دو قسم است ۱- بصورت هدیه ای است که برای شخص برده می‌شود تا بیشتر او را مورد توجه قرار دهد این قسم ربا همان است که قرآن می‌فرماید هدیه ای به دیگران بپز دازید تا در عوض بیشتر از آن هدیه بهره مند شوید؛ ثوابی برای شما از این هدیه که به دیگری داده تا در عوض بهره مند شوید، نمی‌باشد ۲- ربائی که مانند قسم اول نیست که بصورت هدیه باشد بلکه پولی به کسی می‌دهند که در عوض چند برابر از او مطالبه نمایند و خداوند به آن وعده جهنم داده است (الکافی ج ۵ ص ۱۴۴).

دومین دلیل اینکه، تحولات پولی در عصر حاضر باعث شده که پول علی‌رغم اینکه در زمان معینی به صورت عرضی کالای مثلی باشد، ولی در طول زمان، کالایی است قیمی. لذا، در پرداخت‌های مؤجل باید قیمت آن را در نظر گرفت و این مسأله، ضرورت جبران کاهش ارزش پول را توجیه می‌کند.

دلیل سوم، حاکمیت اصل «عدم ظلم» بر همه معاملات است. حاکمیت اصل عدالت و انصاف و عدم ظلم و انظلام بر کلیه مبادلات هم از قرآن و هم سنت و هم عقل و اجماع اثبات می‌شود. رعایت مجموع احکام و مقررات در زمینه فقهی نتیجه‌ای جز جلوگیری از رابطه ظالمانه در مبادلات ندارد. از آنجایی که عدم توجه به قدرت خرید پول در گذر زمان باعث می‌شود امکان ظلم و انظلام در همه معاملات مدت‌دار افزایش یابد و با قبول دائمی بودن تورم، ظلم و انظلام قطعی است. لذا، اصل عدم الظلم در مبادلات ایجاب می‌کند که «قدرت خرید پول» را در گذر زمان را ملحوظ کنیم و ملحوظ داشتن این اصل، به معنای جبران کاهش ارزش پول در همه مبادلات مدت‌دار و من جمله قرض می‌باشد.

چهارمین دلیلی که بر لزوم جبران کاهش ارزش قدرت خرید پول در مبادلات مدت‌دار می‌تواند مطرح کرد، توجه به عناوین ثانوی از جمله لاضرر می‌باشد. اگر تعریف حقیقی ربا را نپذیریم و همین‌طور اگر ادله اثبات ملاک ظلم و انظلام در حرمت ربا را کافی ندانیم و اگر بر خلاف واقع، اصل حاکمیت عدم‌الظلم بر کلیه مبادلات را منکر شویم و اگر تغییر ماهیت پول را دلیل بر تغییر موضوع پول در اقتصاد معاصر نسبت به اقتصاد گذشته ندانیم و بر خلاف اصول اولیه عقل حکم کنیم که جبران کاهش

ارزش پول، بر اساس احکام اولی موضوعاً از مصادیق ربا خارج نیست ولی بر اساس عنوان ثانوی «لاضرر» ضرر قرض‌دهنده باید جبران گردد، قطعاً عادلانه‌ترین راه برای جبران ضرر او، ملحوظ داشتن قدرت خرید و جبران کاهش ارزش پول می‌باشد (موسایی، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

۴- نظریات پولی کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها

اقتصاددانان کلاسیک که عمدتاً نظریات خود را در قالب نظریه مقداری پول معرفی می‌نمایند. اینان از پول در شرایط تعادل بلند مدت به عنوان یک متغیر خنثی یاد می‌کنند. این گروه از اقتصاد دانان، پول را به صورت حجایی بر روی روابط حقیقی اقتصاد معرفی می‌کنند و صرفاً آن را در تغییرات قیمت‌ها ملاحظه می‌نمایند. این مطلب خود حاکی از این موضوع است که آنان پول را به عنوان وسیله مبادله در اقتصاد تعریف نمودند و در نهایت هیچ دلیلی برای نگهداری و گنز آن ارائه نمی‌دهند. برداشت اقتصاددانان نئوکلاسیک از ماهیت پول، تحولی وسیع و بنیادین در کارکرد آن در اقتصاد به وجود آورد. از نظر این گروه از اقتصاددانان پول خود به وجود آورنده مطلوبیت است، به عبارت دیگر، پول به عنوان یک کالا همانند تمامی کالاها می‌تواند خالق رضایت خاطر و مطلوبیت برای مصرف‌کنندگان باشد. مدل‌های تعریف شده کلیف لوید^۶، مارشاک^۷، برنز^۸ و ساموئلسن^۹ همه مؤید این موضوع می‌باشند. بر مبنای تمامی این نظریات، پول به عنوان جایگزین برای سایر کالاها در تابع مطلوبیت افراد معرفی می‌گردد. پس بر این اساس تعیین نرخ جایگزین پول به جای کالاها و یا مطلوبیت نهایی پول بیانگر وجود قیمتی برای پول در مقایسه با قیمت کالاها جایگزین آن می‌باشد (حسن‌زاده و مجتهد، ۱۳۸۹: ۶۰).

این نوع تعبیر از پول به ضرورت پذیرش بهای پول یا نرخ بهره به عنوان سازوکار مناسب برای تخصیص منابع در چهارچوب منشور اقتصاد نئوکلاسیکی اشاره دارد.

۴-۱- تقاضای پول فریدمن

نظریه فریدمن در مورد تقاضای پول، بیان مجدد و تبیینی دیگر از نظریه مقداری پول است. این نظریه بر سه اصل استوار است:

اول اینکه وی پول را به عنوان یک تأخیر موقت در قدرت خرید تعمیم یافته (مثلاً $M2$) تعریف می‌کند، یعنی فریدمن در تابع تقاضای پولش سپرده‌های دیداری و سپرده‌هایی که فوراً در دسترس قرار نمی‌گیرد، هر دو را به عنوان واسطه مبادله وارد می‌کند. دوم اینکه فریدمن برای تقاضای پول بعد زمانی قائل است، یعنی از دید وی مقدار پولی را که مردم می‌خواهند نگهداری کنند،

⁶ - KeliiovLoid

⁷ - Marshak

⁸ - Brunz

⁹ - Samuelson

باید به صورت هفته‌ها یا ماه‌هایی از درآمد که به صورت پول نگهداری می‌شود، محاسبه و بیان شود و ایده سوم این است که وی تقاضای پول را به عنوان انتخاب سبد دارایی لحاظ می‌کند و می‌گوید تصمیم در مورد نگهداری پول، از طریق انتخاب میان نگهداری پول، سایر دارایی‌های مالی و کالاهای فیزیکی انجام می‌شود (شاکری، ۱۳۸۷: ۸۷۶).

فریدمن در تحلیل تقاضای پول، بر خلاف کینز و پیروانش، احتیاجات افراد را برای پول به چند قسمت تقسیم نمی‌کند بلکه پول را نوعی دارایی در نظر می‌گیرد که هر دارنده‌ای ممکن است بخشی از ثروت خود را به صورت پول نگهداری کند (قدیری، ۱۳۶۸: ۱۹۱). اقتصاد دانان کمبریج معتقدند که اشخاص ممکن است پول را با همان مقاصد که کالا را نگهداری می‌کنند نگاه دارند، زیرا پول هم مانند کالا مطلوبیت یا رضایتمندی ایجاد می‌کند (سلیانی، ۱۳۸۳: ۲). این دارایی یا پول یک عامل تولید است که بر حسب زمان بازده‌ای مداوم دارد مانند سایر کالاهای سرمایه‌ای.

۴-۱-۱- پول به مثابه دارایی

با توجه به تعاریف فوق‌الذکر دیدیم پول از یک وسیله‌ی مبادله صرف تغییر ماهیت داده است کما اینکه در شرایط رکودی فرد بین سبدهای مختلف با دوام ممکن است ترجیح دهد پول را نگه دارد، پس پول هم به نفسه دارای مطلوبیت شده است. همانگونه که فریدمن معتقد است که افراد بخشی از ثروت خود را به صورت پول نقد نگهداری می‌کنند؛ اما آنچه در نگهداری پول مهم است مبلغ اسمی آن نیست، بلکه مردم در نگهداری پول متوجه موجودی واقعی پول نگهداری شده نزد خود می‌باشند. مردم سماجت فوق‌العاده‌ای نسبت به قدرت خریدی که مایل به نگهداری آن می‌باشند، از خود نشان می‌دهند و به سختی حاضرند که در آن تغییری به وجود آورند، مگر اینکه انگیزه مهمی برای آن‌ها پدید آید. اگر حجم پول افزایش یابد، مردم سعی خواهند نمود تا قدرت خرید اضافی را خرج کنند زیرا مردم احساس می‌کنند که نگهداری پول‌های اضافی قدری زیاده است و بار دیگر موجودی واقعی مطلوب خود را از پول نگهداری می‌نمایند. بنابراین در تعادل جدید سبد دارایی خود، پول‌های اضافی را به کالاها و دارایی‌های مالی تبدیل می‌کنند و این خود یک مجرای ارتباطی میان پول و فعالیت‌های اقتصادی ارائه می‌کند. در واقع از دید وی برای واحدهای نهایی تملک ثروت، پول یک نوع دارایی است و نگهداشتن آن یک روش نگهداشتن ثروت است (شاکری، ۱۳۸۷: ۸۷۶).

۴-۱-۲- پول به مثابه کالای مصرفی

به‌طور کلی فریدمن پول را برای مصرف‌کننده و افراد به مثابه کالای مصرفی قلمداد می‌کند. یعنی همانطور که مثلاً تاکسی خدمات ارائه می‌کند و با جابجا کردن فرد مطلوبیت وی را زیاد می‌کند، پول هم به‌عنوان وسیله پرداخت و واسطه مبادله، مبادلات فرد را تسهیل می‌کند، هزینه‌های متعدد مبادلاتی را کاهش می‌دهد و یا از بین می‌برد، بی‌نهایت قیمت را به $n-1$ قیمت تنزل می‌دهد، مشکل تعدد و تکرار معاملات را رفع می‌کند، امکان تقسیم و تجزیه در ثمن و مثنی را فراهم می‌آورد، از

هزینه های حمل و نقل بین مکانی برای مبادلات متعدد می کاهد و معیاری مشترک برای محاسبه و انتقال یکسان اطلاعات می شود و نوعی خدمت به وی ارائه می دهد (شاگری، ۱۳۸۷: ۸۷۶).

پس پول در حقیقت مثل کالایی فرض می شود که بر اساس منحنی های بی تفاوتی آن شخص به دارنده ی خود مطلوبیت می بخشد. فریدمن توجهی به انگیزه هائی که باعث تقاضا برای پول می شوند ندارد بلکه مانند تقاضا برای سایر کالاها آن را رفع نیاز شخص می داند که به دارنده ی خود خدمت می کند. پس اگر پول نوعی کالا فرض شود، تمامی عواملی که در اقتصاد سنتی بر روی تقاضا اثر می گذارند در تصمیم مردم برای تقاضای پول موثرند از جمله قیمت پول یا نرخ بهره (قدیری، ۱۳۶۸: ۱۹۲).

۴-۱-۳- پول به مثابه کالای مولد (نهاده تولیدی)

فریدمن همچنین پول برای بنگاه ها را به مثابه کالای مولد در نظر می گیرد، همانطور که نهاده ها و کالاهای مولد در فرآیند تولید بنگاه نقش ایفا می کنند. وی هم چنین بیان می کند که " برای افراد در اجتماع ، پول کالای سرمایه ای است ، یک عامل تولید که در اثر تلفیق با سایر عوامل تولید ، کالای آماده برای فروش را به وجود می آورد. در واقع می توان گفت که نهاده های تولید به دو دسته انسانی و غیر انسانی تقسیم می شوند و خود نیز شامل چند زیر دسته می باشند که گاهی بر حسب نظر افراد یا تغییر ماهیت در طول زمان از دسته ای به دسته ی دیگر منتقل می شوند. یک عامل تولیدی که در این دسته ها به چشم می خورد پول است (زاهدی، ۱۳۸۸).

در شرایط سنتی، پس انداز مردم مستقیم یا از طریق تجهیز بانکی وارد فرایند تولید می شدند، در حالیکه در شرایط مدرن بخش قابل توجهی از سرمایه مالی در نظام اعتباری و مالی کشور خلق می گردد. بدین ترتیب پول در کنار سایر نقش های سنتی خود، دارای یک نقش جدید دیگر می شود و آن این است که به عنوان یکی از نهاده های تولید، در فاز اول تولید و به عنوان عامل تامین کننده و تمهید کننده سایر نهاده های تولید، پذیرش یا خرید ریسک، و یا عامل تعجیل بخش و تاخیل بخش در سیستم، تجلی می یابد. این در حالی است که در سرمایه داری سنتی و همه اقتصادهای تولیدی قدیم، اگر تعامل همکاری و تعاونی شکل می گرفت که نیازی به پول در فرایند تولید نبود، و اگر هم تعادل عمومی در کار بود، عامل پول، صرفا در پرداخت اجرت عوامل اجاره ای یا ایجاری و خرید و تصاحب ابزار تولید موثر بود و لذا در فرایند تولید جز همان واسطه گری مبادلات، حضور مستقیم نداشت (زاهدی، ۱۳۸۸).

لذا همانطور که برای مصرف کننده تقاضای یک کالا به کل درآمد وی، قیمت خود کالا، قیمت کالای جانشین و سلیقه و ترجیحات وی بستگی دارد و همان طور که برای بنگاه تقاضای یک نهاده به مقیاس تولید، قیمت خود نهاده و قیمت نهاده های جانشین و شکل تابع تولید بستگی دارد تقاضای فرد برای پول نیز به ثروت فرد، قیمت و بازدهی سایر دارایی ها، سلیقه ها و ترجیحات وی بستگی دارد (شاگری، ۱۳۸۷: ۸۷۶).

۵- نتیجه گیری

ربا در خصوص زمانی بود که سکه ها طلا و نقره بودند و به خودی خود دارای ارزش بودند لذا اضافه کسب کردن آن ظلم به طرف مقابل محسوب می شده است در حالیکه ماهیت پول های اعتباری کنونی کمی متفاوت تر از گذشته است. شهید صدر می گوید: احکام صرف در فقه اسلامی با تغییر پول از نوعی به نوع دیگر تغییر می کند ؛ در جهانی که تورم در آن پدیده ای فراگیر و عادی است، حذف بهره حداقل تا سطح جبران تورم حتی منجر به اختلاف طبقاتی بیشتر می شود پس اگر فلسفه حرمت ربا ظالمانه بودن آن باشد در این صورت خروج موضوعی بهره از ربای حرام جدی گرفته خواهد شد و عدم حرمت ربا در قرض های غیر ضروری تولیدی قابل پذیرش خواهد بود.

در عصر حاضر خصوصا بعد از انقلاب صنعتی پول به صورت غیر مستقیم هم نیاز مصرف کننده را برطرف میکند از طریق کالاها و خدمات و مصرف آن ها و خود پول نیز از دیدگاه فریدمن برای مصرف کننده به عنوان کالای مصرفی تلقی می شود و هم نیاز تولید کننده را به صورت غیر مستقیم تامین می کند از طریق خرید نهاده های تولید، و به عنوان نهاده ی تولیدی برای تولید کننده می باشد.

پس اگر پول نوعی کالا فرض شود، تمامی عواملی که در اقتصاد سنتی بر روی تقاضا اثر می گذارند در تصمیم مردم برای تقاضای پول موثرند از جمله قیمت پول یا نرخ بهره.

از طرفی بدون پول تولید صورت نمی گیرد و هیچ خدمتی قابل ارائه نیست، همانطور که اگر نیروی کار و مواد اولیه و... نباشد تولید صورت نمی گیرد، بدون گردش پول هم تولیدی اتفاق نمی افتد و در حقیقت پول ارزش افزوده ایجاد می کند لذا همانطور که به نیروی کار بدون توجه به سود و زیان دستمزد پرداخت می گردد بایستی به پول نیز کارمزد یا سود تعلق گیرد.

حتی در نظر گرفتن بهره یا سود برای پول مزایایی در بر خواهد داشت :

۱- هنگامیکه سیستم بانکی به بنگاهای تولیدی اعتبارات اعطا می کند، هزینه کنترل و کارشناسی این وام ها بالاست (کنترل به این معنا که آیا وام در جهت گسترش کسب و کار مورد استفاده واقع شده است یا خیر) اما در بانکداری با بهره نه جایی برای انعقاد قراردادهای با تفصیل و نه بحثی از نظارت و کنترل باقی گذاشته است.

۲- اخذ بهره حتی منجر به تخصیص بهینه تر منابع می گردد و افرادی پول را قرض می گیرند که می دانند بهترین استفاده را از آن می برند.

منابع

۱. ابراهیمی، م. ح. (۱۳۷۲). "ربا و قرض در اسلام"، قم - انتشارات مؤلف.
۲. ابن منظور. (۱۴۰۸ق). "لسان العرب"، بیروت، داراحیاء التراث العربی، اول.
۳. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. (۱۳۸۱). "ربا"، قم، بوستان کتاب.
۴. توتونچیان، الف. (۱۳۷۰). "نگاهی به پول و وظایف آن در اقتصاد اسلامی"، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۵. توتونچیان، الف. (۱۳۷۹). "پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری"، انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری توانگران، چاپ اول.
۶. توفیق رضا، ح. (۱۹۸۸م). "ربوات القرض و ربوات البیع"، بی‌جا، بی‌نا.
۷. جوادعلی. (۱۹۷۱م). "المفصل فی تاریخ العربیة الاسلام"، بیروت، دارالعلم، اول.
۸. حرعاملی. (۱۴۱۳ق). "وسائل الشیعه"، بیروت، مؤسسه آل بیت لإحیاء التراث العربی، اول.
۹. خوری، سعید. (۱۴۰۳ق). "اقرب الموارد"، قم، کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی.
۱۰. دلالی اصفهانی، ر. (۱۳۸۴). "راهکارهای دستیابی به جامعه‌ی بدون ربا"، مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانه‌ی اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. رفیق المصری، ی. (۱۴۰۷ق). "مصرف الترمیه الاسلامی"، بیروت، مؤسسه الرساله، سوم.
۱۲. زمانی فراهانی، م. (۱۳۷۱). "پول، ارز و بانکداری"، انتشارات مؤلف.
۱۳. شاکری، ع. (۱۳۸۷). "اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها"، جلد ۲، چاپ اول. تهران - نویسا.
۱۴. طبری، م. (۱۴۰۷ق). "جامع البیان فی تفسیر القرآن"، بیروت، دارالفکر.
۱۵. طبیبیان، م. (۱۳۶۸). "اقتصاد کلان، اصول نظری و کاربرد آن"، ج ۵، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۱۶. قبادی، ف. و رئیس‌دانا، ف. (۱۳۶۸). "پول و تورم"، تهران، بیشبرد.
۱۷. کووک، پ. و پاتریک، ک. (۱۳۷۱). "اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه"، ترجمه مرتضی ایمانی‌راد، اراک، کالج.
۱۸. امام خمینی (ره)، ا. (۱۳۶۹). "صحیفه نور"، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۹. مجتهد، الف. و حسن‌زاده، ع. (۱۳۸۴). "پول و بانکداری و نهادهای مالی"، پژوهشکده پولی و بانکی.
۲۰. مجتهد، الف. و حسن‌زاده، ع. (۱۳۸۹). "ماهیت و کارکرد پول اصل محوری در جبران کاهش ارزش پول مقایسه اقتصادهای متعارف و اسلامی"، تازه‌های اقتصاد، سال هفتم، شماره ۵۷: ۱۲۵.
۲۱. مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳ق). "بحار الانوار"، بیروت، داراحیاء التراث العربی، سوم.
۲۲. مصری، ر. ی. (۱۴۱۲ق). "الجامع فی اصول الربا"، بیروت، الدارالشامیه، اول.
۲۳. مطهری، م. (۱۳۶۴). "ربا، بانک و بیمه"، انتشارات صدرا.

۲۵. موسایی، م. (۱۳۸۳). "ربا و کاهش ارزش پول"، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۲۶. موسایی، م. (۱۳۸۴). "بررسی ادله جبران کاهش ارزش پول"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره بهار.
۲۷. موسویان، س. ع. (۱۳۸۰). "ثمرات فقهی- اقتصادی دفعی یا تدریجی بودن ربا در قرآن"، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، تهران، شماره ۱.
۲۸. موسویان، س. ع. (۱۳۸۴). "ربا در فرض‌های تولیدی و تجاری"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸-۶:۳۵.
۲۹. موسویان، س. ع. (۱۳۸۶). "نظریه ربا و بهره"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۷: ۶۷-۹۷.
۳۰. نوری کرمانی، م. الف. (۱۳۸۱). "موضوع شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر"، مؤسسه بوستان کتاب قم.
۳۱. نوری، م. ح. (۱۴۰۸ ق). "مستدرک الوسائل"، قم، مؤسسه آل‌البیت، اول.
۳۲. قدیری اصلی، ب. (۱۳۶۸). "نظریه های پولی پول"، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. سلیمانی، س. م. (۱۳۸۲). "بررسی و آزمون تابع تقاضای پول در اقتصاد ایران"، چاپ اول، پژوهشکده پولی و بانکی.
۳۴. ابراهیمی، م. ح. (۱۳۷۲). "ربا و فرض در اسلام"، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۵. زاهدی وفا، م. ه. و پیغامی، ع. (۱۳۸۸). "پول و زمان در نظریه توزیع اسلامی"، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره اول، صص ۵-۳۷.
۳۶. ماجدی، ع. و گلریز، ح. (۱۳۶۶). "پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری"، مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی.
37. Friedman, M. (1959). *The demand for money: some theoretical and empirical results*: UMI.
38. Friedman, M, (1956). *The Quantity Theory of Money: a Restatement in Studies in the Quantity Theory of Money*, Chicago: University of Chicago Press.